



<http://www.arianafghanistan.com>



۲۳ آگست ۲۰۱۹

خلیل الله معروفی

## بحثهایی در دستور زبان دری

(قسمت دوم)

### چرا افغانها "غلط‌پسند" اند؟؟؟

و نمونه ای چند ازین "پسند"



باربار و ضمن مقالات بی‌شمار گفته و نوشته ام، که ما افغانها خوش داریم از "اغلاط و اشتباهات" تقلید کنیم. و شیرینی سخن درین است، که نه تنها مایلیم اغلاط دیگران را کاپی نمائیم، بلکه اغلاط و اشتباهات خود را هم دودسته مُحکم گرفته و بر آن به اصطلاح زیبای کابلی "خرپنجه" انداخته ایم. اگر بگویم، که "غلط‌پسندی" در رگ و پی و خون و شرابین و حتی استخوان ما افغانها تزریق گشته است، شاید سخن نابجا و خلاف واقعیت نگفته باشم. گرچه کارهای ناپسند در تمام دنیا "هواخواه" دارد، ما افغانها مگر شهسوار و پیشتاز و پیشقراول و قافله‌سالار این عرصه هستیم و اگر مسابقهٔ قهرمانی جهانی در زمینه برپا شود، حتماً "مدال طلا" را به ما خواهند داد.

یاران فرموده اند، که از نوشتن مقالات عریض و طویل و چندین صفحه‌ئی خودداری کنم، تا حوصلهٔ خواندن را برهم نزنم. این است، که سخن را مختصر میگیرم و ضمن این مطلب کوتاه میکوشم، نمونه‌هائی ازین پدیدهٔ نامیمون را در عرصه و پهنه و زمینهٔ "زبان" برون بکشم. خوب و با دقت توجه فرمائید:

### در دری خود ما:

در زبان دری خود ما به کلماتی برمیخوریم، که در انتخاب دوگانه و چندگانهٔ ما قرار دارند؛ یعنی میتوانیم از بین دو یا چند الترناتیف و بدیل، تنها یکی را انتخاب کنیم. و میدانید، که انتخاب ما چگونه است؟؟؟ شواهد عینی نشان میدهد، که ما مردم به طرف بد و بدترین و غلط و غلط‌ترین مایل و متمایل هستیم؛ تا صحیح و درست و اصولی!!! جهت اثبات این داعیهٔ مثالهایی میزنم:

۱ - از مدتی‌ست، که کلمهٔ ناخراش و ناتراش و به اصطلاح عوام، بدفوکس و بدقوارهٔ "تشکری" مود روز و ورد زبان مردم ما گشته است، چنان، که دانی و عالی و عامی و عالم و کم‌فهم و بافهم میلان پیدا کرده اند، که به عوض

کلمه اصولی و اصیل و درست و منضبط "تشکر"، شکل مزخرف و مبتذل آن؛ یعنی "تشکری" را استعمال کنند. اگر باور ندارید، بروید و تلویزیونهای بردربر و رنگارنگ افغانستان را ببینید و بشنوید، که راپورترها و مردم عادی کوچه و بازار کدام را استعمال میکنند. تا جایی، که به نظر من رسیده است، اینها خوش دارند، که "تشکری" بگویند، و نه "تشکر"!!! البته این غبن فاحش فعلاً در سطح گفتار دیده میشود و اگر جلوش گرفته نشود، زود باشد، که در زبان نویسندگان و اهل قلم و طائفه خیرت نیز سرایت کند و گویا "ورد زبان خاص و عام" شود. درینجا لااقل شرح کوتاهی را در زمینه لازم میدانم و آن ازین قرار است:

### تشکر - تشکری:

"تشکر" کلمه عربی و از مصدر باب "تَفَعَّل" است، که از ریشه ثلاثی(سه حرفی) "شکر" اشتقاق یافته است. پس "تشکر" لغتاً در معنای "شکر کردن" یا "شکرگزاری کردن" و "اظهار شکران کردن" است. چنان، که میدانیم، در زبان دری تعامل چنین است، که مصادر عربی را به حیث "اسم مصدر" استعمال میکنیم. بدین حساب "تشکر"، مفهوم "شکرگزاری" و "اظهار شکران" و "سپاس" را به خود میگیرد. از همین خاطر آن را با مصادر معاون یا معین یا کمکی از قبیل "کردن" و "شنیدن"، صرف میکنیم. مثلاً میگوئیم:

- از فلانی تشکر میکنم

- تشکر کردن کار دشوار نیست

- وی تشکر بسیار شنید

- شنیدن تشکر از زبان فلانی جان باعث آرامشم گشت

از دستور زبان دری میدانیم، که اگر در آخر "اسم" و یا "صفت"، پای مصدری را بچسبانیم، از آن "اسم مصدر" یا "اسم معنی" حاصل میشود. مثلاً:

مرد + ی = مردی

ساحر + ی = ساحری

خوب + ی = خوبی

تند + ی = تندى

سرد + ی = سردى

با پیروی غلط و یا سوء استفاده ازین اصل، در آخر کلمه "تشکر" هم یک دانه "ی" را اضافه کرده و از آن "تشکری" را ساخته اند. مگر باباجان!!!

کلمه "تشکر" خود "اسم مصدر" است؛ چنان، که در بالا تذکر داده شد، و هیچ ضرورت دیده نمیشود، که از آن مجدداً "اسم مصدر" بسازیم.

۲ - از موارد کاملاً غلط دیگر یکی هم استعمال کلمه "مسکون" به جای "ساکن" است، که بیشتر از همه در دفتر و دیوان و زبان میرزاقلمان و عریضه‌نویسان، دیده میشود. چنان، که از بهر مثال گویند:

«فلانی ولد فلانی، مسکونه چاردهی»

برادر گل! از کلمه درست و اصولی و به اصطلاح عامیانه کابلی، "آدم‌دستور" "ساکن" چه بدی دیده اید، که در عوض "مسکون" و بالاتر و بدتر از آن، "مسکونه" میگوئید؟؟؟

اگر شکل درست مثال فوق را بیاوریم، اینطور خواهد بود:

«فلانی ولد فلانی، ساکن چاردهی»

و یا

«فلانی ولد فلانی، باشنده چاردهی»

یکی از بیت‌های طنزی - کومیک قدیم "رادیو کابل"، که فکر کنم از "استاد محمد ابراهیم نسیم" باقی مانده است، چنین بود: بی پیسه و سامانه، ساکن رکاخانه

"استاد ابراهیم نسیم" خواننده نقاد و کومیک‌پرداز آن وقت و برادر بزرگ "استاد محمد حسین ارمان" است، که هر دو از پیشروان خواننده‌های شوقی "کابل رادیو" بودند و ساکن گذر "چاه رهداری" عاشقان و عارفان کابل.

فرق بین "ساکن" و "مسکون":

"ساکن" اسم فاعل و "مسکون" اسم مفعول از مصدر عربی "سکون و سکونت" است؛ بدین طریق:

- "ساکن" در معنای "سکونت کننده" و "باشنده" است؛ یعنی کسی، که در جایی بود و باش و سکونت کند.

- "مسکون" به معنای "قابل سکونت" است؛ چنان، که در کتب قدیم می‌گفتند: "رُبع مسکون زمین"

و یا همین حالا گویند: "خانه‌های مسکون"

اگر تمام کره زمین را مد نظر بگیریم، تنها یک رُبع آن خشکه و قابل سکونت کردن و بود و باش است. چون متباقی را آب تشکیل میدهد یا مناطق کوهستانی بی، که معمولاً قابلیت سکونت دائمی را ندارند.

۳ - از کلمات بی اندازه غلط دیگر یکی هم ترکیب "سپاره" است، که به جای "پاره" استعمال میشود. این اشتباه در دری افغانستان آنقدر عام است، که حتی از زبان استاد مجرب و ورزیده ای مانند "حیدر ژوبل"، که سمت استادی را در پوهنخی ادبیات پوهنتون کابل به عهده داشت، هم شنیده میشود. رجوع کنید به "تاریخ ادبیات افغانستان" اثر استاد "حیدر ژوبل".

۴ - "تبادله" یکی دیگر از این کلمات زشت و ناروا و غلط است، که در وطن ما عام گشته است؛ هم در محاوره و هم در زبان مکتوب. درین زمینه ضمن مقالات سابقم به اندازه کافی و در حد اشباع سخن گفته ام.

و اگر از اغلاط خود بگذریم، که نباید بگذریم و هرگز و هیچگاه نباید بگذریم:

**در فارسی ایران:**

در فارسی ایران تراژیدی ابعاد وسیعتر و حادثتری را به خود میگیرد. ایرانیان خواه در ساحة "ترجمه" از زبانهای فرنگی و خواه از نگاه ساخت "لغات جدید"، مرتکب تشتت و اشتباهات فاحش شده اند و پیوسته میشوند. این اشتباهات در حدیست، که هیچ چشم بینا و ذهن بصیر و آگاه، از آن انکار کرده نمیتواند. اگر به لوژها و ابتذالات مشهود فارسی ایران نظر اندازیم، همه را باید به آدرس همین دو "مرجع نیرنگی" راجع بسازیم. از اثرات بسیار ناگوار ترجمه‌های نامناسب و تحت‌اللفظی، که حتی ساخت دستوری فارسی ایران را به ابتذال کشانیده است، اگر بگذریم، میرویم تنها به سوی ساخت لغات و ترکیبات جدید و بدقواره فارسی ایران. رول "فرهنگستان زبان" ایران را درین زمینه باید در جهت منفی خیلی برجسته ساخت. چه ترکیبات نامناسب و غلط و قبیح بسیار ازین همین "فرهنگستان نافرنگستان" بیرون آمده و نه تنها فارسی ایران، بلکه بالواسطه و بلافاصله دری ما را نیز آلوده ساخته است.

- "تنش و چالش و یونش و پهپاد و رایانه و پدافند و راهبردی و ترابری و کارشناس و نشست و باشگاه و فناوری و جشنواره و شهربندی و ویژه و خبرنگار و گردهمایی و ... " نمونه کوچکی از این تراوشهای ناگوار است، که به جای "تشنج و چلنج و یونایزیشن و درون و کمپیوتر و دفاع و ستراتژی و حمل و نقل و متخصص و جلسه و کلوب و تکنالوژی و فستیوال و تبعه و خاص و رایور و تجمع و ... " وضع شده و در فارسی ایران تماماً استعمال میگردند.

- رواج دادن ترکیبات زشتی، که زبان را رگ میسازند، از قبیل "پهپاد و رایانه و پدافند و ... " به عوض "درون و کمپیوتر و دفاع و ... "، از شاهکارهای منفی "فرهنگستان زبان" در ایران است. بابا!!! تمام دنیا و سراسر جهان و کُل عالم کلمات "کمپیوتر" و "درون" را به حیث لغات و اصطلاحات جهانی و عالمگیر استعمال میکند، ولی "فرهنگستان ایران" به دهل فرسوده خود میدرنگاند و لغاتی را وضع میکند، که نه از نگاه ساخت دستوری و منطق سخن سازگاری دارند و نه از نگاه ذوق و سلیقه سلیم طبیعی. همان مثل قدیم ما، که "زمین تلی و شاهزمان نه تلی" درینجا کاملاً صادق افتاده است. و من میپرسم، که لغت معمول و مأنوس و عام و معقول، ولی بیدفاع و مظلوم "دفاع" چه بدی و گناه کرده است، که به جایش لغت مُرده و متروک و ناگوار "پدافند" را از پشت کندوهای شکسته و "چلی چلی شده" تاریخ بیرون کشیده و به جامعه و مردم قرن بیست و یکم، تقدیم میکنید؟؟؟

یاد استاد زبردست ادبیات "پوهنتون تهران"، داکتر "خسرو فرشیدورد" گرامی باد، که یک‌تنه و "تنهایی تنها" به جنگ "خُرافات‌گرایان" و "مزخرف پرستان"، از جمله "فرهنگستان ایران" شنافت؛ گفتار و آثار گرانباری را در عرصه ادبیات زبان فارسی عرضه کرد، صدها خون دل خورد و آخر با دل شکسته و پُر از درد و نومیدی، از جهان رفت!!!

## یاد و خاطره اش مکرّم و محتشم باد!!!

در مورد مُجاهدات و مُبازرات منحصر به فرد این "ابرمرد ادب فارسی" در کشور ایران، که نمایندگی از دلسوزی بی امانش نسبت به یک فرهنگ دیرینه و پربار میکند، ضمن مقاله مستقلی به تفصیل خواهم نوشت.

(خلیل معروفی - برلین - هفدهم آگست ۲۰۱۹)



چرا افغانها "غلط پسند" اند؟؟؟

Marooft\_k\_cheraa\_afghanhaa\_ghalatpessand\_and\_۲.pdf